

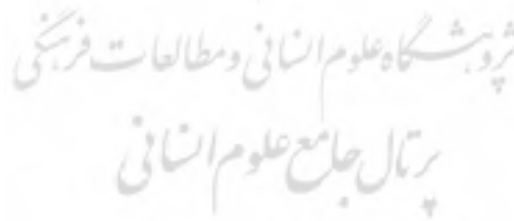
An overview of Arabic encyclopedias

Inayatullah Fatehiannad*

Abstract

Encyclopedias generally contain a wide range of human sciences and knowledge, and are structured and categorized either by subject or alphabetically similar to dictionaries. The structure of the most well-known encyclopedic articles is of the second type. In this article, the author gives an overview of the encyclopedia compiling in Arabic and its historical background, by introducing the most important Arabic encyclopedias and examines the characteristics, writing style, and strengths and weaknesses of each these encyclopedias. In this research, the encyclopedias of Butrus al-Bustani, the Encyclopedia of the Twentieth Century, the Encyclopedia of Islam, the Encyclopedia of the Shiite Islam, Al-A'laam, and the Shiite nobilities have been studied.

Keywords: Encyclopedia compiling, Islamic Encyclopedia, Hassan Amin, Butrus al-Bustani, Farid Wajdi, Khairuddin Zarkali.



* Graduated from the University of Science and Research with a PhD in Persian Language and Literature, fatehieenayat@ymail.com

Date received: 2020.09.05 Date of acceptance: 2020.11.20

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article . This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons , PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاهی کلی به دائرةالمعارف‌های عربی

عنایت‌اله فاتحی نژاد*

چکیده

دائرةالمعارف‌ها عموماً دربردارند طیف وسیعی از علوم و معارف بشری است و از لحاظ ساختار و دسته‌بندی مطالب یا بر اساس موضوع تدوین و مرتب شده‌اند و یا بر حسب حروف الفبا و به تقلید از فرهنگ‌های لغت که ترتیب مقالات بیشتر دائرةالمعارف‌های معروف از نوع دوم و الفبایی است. نگارنده در این مقاله با نگاهی کلی به پیشینه دائرةالمعارف‌نویسی به زبان عربی و ریشه‌های تاریخی آن، با معرفی مهم‌ترین دائرةالمعارف‌های عربی، ویژگی‌ها، سبک نگارش و نقاط ضعف و قوت هر کدام را مورد بررسی و پژوهش قرار داده است. در این پژوهش دائرةالمعارف‌های بطرس بستانی، دائرة معارف القرن العشرين، دائرةالمعارف الإسلامية، دائرةالمعارف الإسلامية الشیعیة، الأعلام، و أعیان الشیعة مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: دائرةالمعارف‌نویسی، دائرةالمعارف الإسلامية، حسن أمين، بطرس بستانی، فرید وجدی، خیرالدین زرکلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، fatehienayat@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۳۰

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱. مقدمه

اصطلاح نسبتاً جدید دائرةالمعارف یا انسیکلوپدیا (Encyclopedia) بر مجموعه‌ای از تألیفات و آثاری اطلاق می‌شود که دربردارنده طیف وسیعی از علوم و معارف بشری است و اروپائیان از حدود قرن نهم هجری شمسی / شانزدهم میلادی بدان پرداخته‌اند. دائرةالمعارف‌ها از لحاظ ساختار و دسته‌بندی مطالب و مقالات، یا موضوعی‌اند که مقالات و عناوین آن، براساس موضوع هر علم طبقه‌بندی و تدوین شده‌اند و یا الفبایی‌اند که به تقلید از لغت‌نامه‌ها، براساس حروف الفبا تدوین و مرتب شده‌اند و بیشتر دائرةالمعارف‌های معروف از این نوعند.

اگرچه دائرةالمعارف‌نویسی نوعی تألیف‌نگاری جدید به شمار می‌رود، اما ریشه‌های تاریخی آن را می‌توان در آثار و تألیفات اسلامی که از اواخر قرن اول هجری شمسی / اواخر قرن دوم هجری قمری به بعد تدوین شده‌اند، جستجو کرد. نگارش شرح احوال شخصیت‌های برجسته از آغاز عصر تدوین روایت‌های شفاهی تا عصر حاضر در ادبیات و فرهنگ اسلامی پدیده‌ای شناخته شده است. سیره‌نویسانی چون ابن‌اسحاق و ابن‌هشام از نخستین نویسندگانی به شمار می‌روند که قدم در این راه نهاده‌اند. پس از سیره‌های نبوی، آثار و تألیفاتی به نام طبقات و یا تراجم در ادبیات عربی شهرت یافته‌اند؛ مانند *طبقات الشعراء* از ابن‌معتز، *طبقات فحول الشعراء* از ابن‌سلام جمحی و *الشعر و الشعراء* از ابن‌قتیبه که به شرح احوال و زندگانی شاعران، به ترتیب تاریخی و از قدیم به جدید پرداخته‌اند. همچنین مجموعه‌های حدیثی از قبیل *اصول کافی*، *صحاح* سته و مسندها را می‌توان از نخستین تلاش‌ها در زمینه دائرةالمعارف‌نویسی موضوعی در میان مسلمانان به شمار آورد. از حدود اواخر سده ششم هجری شمسی / هفتم هجری قمری به بعد تدوین جنگ‌های ادبی و زندگینامه‌ها و کتاب‌هایی بزرگ و پر حجم که دربردارنده شرح احوال شخصیت‌های برجسته علمی و ادبی بود، به‌طور چشمگیری رونق یافت؛ و از همین‌رو این دوره در تاریخ ادبیات عرب به عصر دائرةالمعارف‌ها یا موسوعات شهرت یافته است. کتاب‌هایی همچون *وفیات الأعیان* از ابن‌خلکان، *فوات الوفیات* از ابن‌شاکر کتبی، *الوافی بالوفیات* از صفدی و *معجم الأدباء* از یاقوت حموی، که هر کدام دربردارنده چندین هزار شرح حال از شخصیت‌های برجسته‌اند و در چندین

نگاهی کلی به دائرةالمعارف‌های عربی (عنایت‌اله فاتحی‌نژاد) / ۲۰۷

مجلد و براساس حروف الفبا تنظیم و تألیف شده‌اند یا حتی آثاری مانند معجم‌البلدان یا قوت که شامل معرفی شهرها و کشورهاست، شباهت بسیاری با دانشنامه‌ها و دائرةالمعارف‌های امروزی دارند. به علاوه طی سده هفتم تا نهم هجری شمسی / هشتم تا دهم هجری قمری صدها جُنگ و مجموعه بزرگ چند جلدی مشتمل بر دانش‌ها و علوم متعدد از قبیل شعر و ادب، لغت، بلاغت، صرف و نحو، تاریخ، جغرافیا، سیاست و فلسفه، به ظهور رسیدند که از آن جمله‌اند: *نهایة الارب فی فنون الادب* از شهاب‌الدین نویری (درگذشت ۷۱۱ ه.ش / ۷۳۲ ق)، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء* تألیف قلقشندی (درگذشت ۷۹۷ ه.ش / ۸۲۱ ق)، *خزانة الادب و غایة الارب* (در ۳ مجلد) از ابن حجه حموی، *المستطرف فی کل علم مستطرف از ایشیہی* (درگذشت ۸۲۵ ه.ش / ۸۵۰ ق)، *غرر الخصائص الواضحة* از جمال‌الدین وطواط (درگذشت ۶۹۷ ه.ش / ۷۱۸ ق)، *حیة الحیوان* دمیری (درگذشت ۷۸۴ ه.ش / ۸۰۸ ق)، *حلیة الکمیت* از شمس‌الدین محمدبن حسن نواجی (درگذشت ۸۳۴ ه.ش / ۸۵۹ ق)، *المزهر فی علوم اللغۃ* از جلال‌الدین سیوطی (درگذشت ۸۸۴ ه.ش / ۹۱۱ ق)، *خزانة الادب و لب لباب لسان العرب* از عبدالقادر بغدادی (درگذشت ۱۰۶۱ ه.ش / ۱۰۹۳ ق) که هر کدام از آنها را می‌توان یک دائرةالمعارف بزرگ به حساب آورد.

۲. دائرةالمعارف بطرس بستانی

از میانه‌های قرن دوازدهم هجری شمسی / نوزدهم میلادی به این سو، و پس از آشنایی عرب‌ها با روش‌ها و شیوه‌های جدید دائرةالمعارف‌نویسی، چندین مجموعه با نام دائرةالمعارف و به تقلید از دائرةالمعارف‌های اروپایی در کشورهای عربی پدید آمد که برخی از آنها ترجمه و برخی دیگر تألیف هستند. نخستین مجموعه از این قبیل که نام دائرةالمعارف بر آن نهاده شد، دائرةالمعارف بطرس بستانی است. بستانی نخستین کسی بود که عنوان «دائرةالمعارف» را بر اثر خود نهاد که به گفته خود او اسمی با مسمی بود (بستانی، ۱۹۵۶م، ج ۱ و ۳). بستانی در روزگاری دست به این کار بزرگ زد که کشورهای عربی و به‌ویژه مصر و سوریه زیر سلطه آخرین فرمانروایان دولت عثمانی از

شرایط اجتماعی و فرهنگی مناسبی برخوردار نبودند و او در این راه با مشکلات و نارسایی‌های فراوان روبه‌رو بود و به گفته خودش از تأمین هزینه‌های سنگین آن برنمی‌آمد. با این همه در ۱۲۵۳ ه.ش / ۱۲۹۱ ق نخستین مجلد آن در شرف چاپ بود که شیوع طاعون در سوریه این کار را متوقف کرد (همانجا) و سرانجام بستانی با همه موانع و مشکلاتی که بر سر راهش قرار داشت، مجلد نخست دائرةالمعارف خود را که حاصل تجارب و زحمات فراوانش بود در ۱۲۵۴ ه.ش / ۱۲۹۲ ق و همزمان با روی کار آمدن سلطان مراد پنجم فرزند عبدالمجید منتشر کرد (همان، ۴) و با این کار سترگ نخستین قدم را در راه دائرةالمعارف‌نویسی نوین برداشت. شش جزء نخست این دائرةالمعارف میان سال‌های ۱۲۵۴-۱۲۶۲ ه.ش / ۱۲۹۲-۱۳۰۰ ق با عنوان *دائرةالمعارف، قاموس عام لكل فن و مطلب* منتشر گردید (همان، ۴؛ امین، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ۴). این کار که برخی آن را از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تألیفات آن عصر به‌شمار آورده‌اند، به زودی جای پای خود را باز کرد و مورد توجه و ستایش بسیاری از محققان و نویسندگان معاصر او قرار گرفت (همان). اما از آنجا که هیچ کار نو و ابداعی از ضعف و نارسایی تهبی نیست، نباید توقع داشت که بستانی به‌عنوان آغازگر شیوه نوین دانشنامه‌نویسی در کشورهای عربی، کاری بی‌هیچ نقص و کاستی عرضه کرده باشد. *دائرةالمعارف* وی به‌عنوان اثری بدیع در روزگار خود از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است، اما در مقایسه با تألیفات مشابهی که در یکی دو قرن گذشته انجام گرفته، نارسایی‌های فراوانی دارد. یکی از برجسته‌ترین نقاط ضعف این *دائرةالمعارف* عدم ذکر منابع و مراجع است و بستانی با اینکه در مقدمه کتاب (همان، ۴) گفته است که در تألیف هر مقاله و ضبط اعلام از منابع معتبر و موثق استفاده کرده و معادل انگلیسی و فرانسوی برخی اصطلاحات و یا حتی اسامی را آورده است، اما همچون قدما در هیچ مقاله‌ای نام منابع مورد استفاده خود را نیاورده و یا گاه در تألیف برخی عناوین از یک منبع استفاده کرده است؛ چنانکه مثلاً در مدخل «أبلّة» (همان: ۳۳۰) بدون استفاده از هیچ مأخذ دیگری فقط به نقل آنچه یاقوت حموی در *معجم البلدان* (بنگرید به: ذیل مدخل أبلّة) درباره این شهر آورده، اکتفا کرده است. همچنین در شرح احوال و آثار شاعران، در استشهاد به اشعار، راه افراط پیش گرفته، چنانکه به‌عنوان مثال در شرح حال ابراهیم بن مدبر

نگاهی کلی به دائرةالمعارف‌های عربی (عنایت‌اله فاتحی‌نژاد) / ۲۰۹

(بستانی، ۱۹۵۶م، ج ۱: ۲۲۶-۲۲۹) که در مجموع از چهار صفحه تجاوز نمی‌کند، نزدیک به صد بیت از اشعار وی و معاصرانش را آورده است. از دیگر نقایص کار بستانی نابسامانی و نداشتن شیوه و الگوی صحیح و دقیق در مدخل‌گزینی است؛ از این رو در این اثر، برخی عناوین مشهور از قلم افتاده است و باینکه وی در مقدمه جلد اول وعده داده بود که برخی عناوین جاافتاده را به تقلید از دائرةالمعارف‌های اروپایی در ذیل خواهد آورد (همان، ۶) اما این وعده تحقق نیافت. همه این ضعف‌ها و نارسایی‌ها بیانگر آن است که روش وی با شیوه‌های دائرةالمعارف‌نویسی فاصله فراوان دارد، با این حال این دائرةالمعارف در کشورهای عربی و نیز مراکز علمی و فرهنگی ایران و دانشگاه‌ها همچنان مرجعی نسبتاً معتبر شناخته می‌شود و استادان و دانشجویان در تحقیقات خود از استناد به آن بی‌نیاز نیستند. دائرةالمعارف بطرس بستانی بعدها توسط فرزندان او به‌ویژه فواد أفرام بستانی تدوین نهایی شد و با نام دائرةالمعارف، قاموس عام لكل فن و مطلب در یازده مجلد و مجموعاً ۸۸۳۲ صفحه بارها به چاپ رسید.

۳. دائرة معارف القرن العشرين

این دائرةالمعارف توسط فرید وجدی در ده جلد تدوین شده است و حوزه وسیعی از علوم و فنون مختلف از جمله تاریخ، ادبیات، جغرافیا، صرف و نحو، علوم بلاغت، فلسفه، کلام، فرق و مذاهب، علوم قرآن و حدیث، تاریخ علم، اقتصاد، فرهنگ را دربرمی‌گیرد. فرید وجدی قبل از این، اثری به نام *کنز العلوم و اللغة* تألیف کرده بود که دایرةالمعارفی مختصر به‌شمار می‌آمد و به گفته خود او چون مورد استقبال مردم و مجامع علمی قرار گرفت، برآن شد تا مطالب آن را در اثری دیگر که نامش را *دائرةالمعارف القرن الرابع عشر/العشرين* نهاد، گسترش دهد (وجدی، ۱۹۷۱، ۳-۴). وجدی این دو تألیف خود را در مقام مقایسه، شبیه به لاروس بزرگ و کوچک دانسته است (همان).

شیوه تدوین این اثر تفاوت بسیاری با دائرةالمعارف بستانی دارد. یکی از نقاط ضعف این دائرةالمعارف نداشتن معیار درست و دقیق در گزینش عناوین است و گاه

کلماتی که صرفاً یک واژه قاموسی به‌شمار می‌روند و نه اصطلاحی خاص، به‌عنوان مدخل برگزیده شده‌اند؛ به‌عنوان نمونه کلمه «أزْمَة» به معنای بحران، عنوان دائرةالمعارفی نیست، اما مؤلف آن را مدخل قرار داده و در مقاله‌ای به نسبت بلند (۱۳ صفحه) درباره بحران‌های اقتصادی و اسباب و علل آن بحث کرده است، بدون آنکه از بحران‌های سیاسی، اجتماعی و غیره سخنی به میان آید (همان، ج ۱، ۲۲۵-۲۳۸). در واقع این دائرةالمعارف تلفیقی از لغت‌نامه و دانشنامه است زیرا مؤلف در کنار اصطلاحات، اعلام و شخصیت‌ها، برخی افعال، اسامی و حروف مانند: «أَبْت»، «تَأَبَّت» (همان: ۸)، «أَبْرَ»، «الإبْریم»، «أَبْس»، «تَأَبَس» (همان: ۲۳)، «أَبْطَ»، «الإِبْطَ»، «تَأَبَّطَ» (همان: ۲۶) را که واژه‌های دائرةالمعارفی نیستند، مدخل قرار داده است و از این جهت تا اندازه‌ای به لغت‌نامه دهخدا شباهت دارد. وی همچنین در چینش عناوین و مدخل‌ها، به تقلید از لغت‌نامه نویسان، ریشه اصلی کلمه را معیار قرار داده و با این شیوه دست‌یابی به برخی مقالات را برای کاربران دشوار ساخته است؛ مثلاً مدخل «أحمد» را ذیل «حمد» (همان: ۸۸) و اسلام را به «سلم» ارجاع داده و ذیل حرف «س» آورده است (همان: ۳۸۸). همچنین در اسامی خاص که پیشوند ابن و أبو دارند، همین شیوه را پیش گرفته؛ به‌عنوان مثال «ابن اثیر» را ذیل «أثر»، در مدخل «أثیر» (همان: ۵۳) و «یأجوج و مأجوج» را ذیل «أجج» (همان: ۶۸-۷۰) آورده و در مورد اسامی غیرعربی سه حرف نخست کلمه را ملاک قرار داده است.

حجم مقالات در این دائرةالمعارف نیز از معیار منطقی برخوردار نیست و گویی مؤلف ضوابط دقیق و منسجمی در تدوین مقالات ندارد؛ مثلاً مقاله «أرض» (همان: ۱۸۱-۱۹۶) نزدیک به ۲۰ صفحه با بحث کروی بودن زمین و نظریات مختلف در این باره آغاز شده و به مساحت اراضی اطراف قاهره و اسکندریه و سواحل رود نیل و ارزش آنها و نیز سرمایه شرکت‌های زراعی و اراضی و املاک که در اختیار آنهاست، با ذکر جزئیات و نام یکایک آن شرکت‌ها پایان می‌پذیرد.

مؤلف در تدوین و تألیف مقالات این دائرةالمعارف به جنبه‌های دینی بیشتر از سایر جنبه‌ها توجه داشته و سعی کرده است مقالات مربوط به جهان اسلام، از قبیل شخصیت‌های دینی و مذهبی، اصطلاحات مربوط به حوزه اسلام، احکام اسلامی، شهرهای مذهبی و هرآنچه به حوزه مسائل دینی و مبانی اسلامی مربوط می‌شود،

نگاهی کلی به دائرةالمعارف‌های عربی (عنايت‌اله فاتحي‌نژاد) / ۲۱۱

پررنگ‌تر جلوه کند؛ به‌عنوان مثال در مدخل «إبل» پس از بررسی نکات صرفی کلمه، و ویژگی‌های «شتر»، به مسائل و احکام فقهی آن پرداخته و با استناد به روایات مختلف و آرای فقها، درباره حلال‌بودن گوشت شتر و میزان زکات آن سخن گفته است (وجدی، ۱۹۷۱م، ج ۱: ۳۰-۳۳). براساس همین رویکرد مقالات «انفاق»، «الله» (همان: ۴۸۱-۵۶۲)، «آخرة» (همان: ۸۹-۱۰۳)، «بیع» و «إجاره» (همان: ۷۰-۷۹) از مقالات مفصل این دائرةالمعارف به‌شمار می‌رود. وجدی نیز همچون بستانی از ذکر ارجاعات درون متن و فهرست منابع استفاده‌شده در تدوین مقالات خودداری کرده و گاه تمامی اطلاعات یک مدخل یا بخش بزرگی از آن را از یک کتاب یا نوشته استخراج کرده است، مانند مقاله أرض که به گفته مؤلف از کتاب *الثروة العقارية للقطر المصري* تلخیص شده است، (همان: ۱۹۶)؛ و نیز مقاله «أزمة» به معنی «بحران» که از کتاب *مبادئ الاقتصاد السياسي* ترجمه محمد افندی فهمی حسین برگرفته شده است، (همان: ۲۲۵) و این شیوه از عمده‌ترین نقاط ضعف این اثر به‌شمار می‌آید.

۴. دائرةالمعارف الإسلامية

یکی از دائرةالمعارف‌های معروف اروپایی که به حوزه اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی اختصاص دارد و از اوایل قرن سیزدهم هجری شمسی / بیستم میلادی به‌طور هم‌زمان به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه تألیف و منتشر شده، دائرةالمعارف اسلام است که میان سال‌های ۱۲۹۲-۱۳۱۴ه.ش / ۱۳۳۱-۱۳۵۴ق در چهار جلد و یک تکمله در لیدن و لایپزیگ به چاپ رسید. از سال ۱۳۳۳ه.ش / ۱۳۷۳ق ویرایش دوم آن آغاز شد و سرانجام در ۱۳۸۰ه.ش / ۱۴۲۲ق در یازده جلد به دو زبان انگلیسی و فرانسه به پایان رسید و دو سال بعد تکمله آن در جلد دوازدهم منتشر شد.

از سال ۱۳۱۱ه.ش / ۱۳۵۱ق گروهی از نویسندگان و مترجمان مصری، ترجمه عربی ویرایش نخست این دائرةالمعارف را با تکیه بر نسخه‌های فرانسوی و انگلیسی آن آغاز کردند و مجموعه‌ای از مقالات آن تا اوایل حرف «ع» به ترتیب الفبای عربی و زیر نظر احمد شنتناوی، ابراهیم زکی خورشید و عبدالحمید یونس با نام *دائرةالمعارف الإسلامية* در پانزده جلد منتشر شد. پس از وقفه‌ای که در کار ترجمه عربی دایرةالمعارف اسلام

پیش آمد، سرویراستاران بر آن شدند تا مجدداً و این بار با گزینش مقالات ویرایش اول و دوم نسخه انگلیسی، ترجمه جدیدی از آن ارائه دهند که البته تلاش آنان در حرف «ح» متوقف ماند. در سال ۱۳۶۸هـ.ش / ۱۴۱۰ق گروهی دیگر از محققان و مترجمان به تلاش جدیدی برای ترجمه این اثر دست زدند. آنان در سال ۱۳۷۶هـ.ش / ۱۴۱۸ق و زیر نظر سمیر سرحان با حذف بسیاری از مقالات کم‌اهمیت، گزیده‌مانندی از *دائرةالمعارف اسلام* را با تکیه بر ویرایش اول یا دوم به نام *موجز دائرةالمعارف الإسلامية* در ۳۳ جلد منتشر ساختند که مجلد آخر آن به فهرست‌های مختلف اختصاص دارد.

دائرةالمعارف الإسلامية با اینکه به‌طورکامل ترجمه و منتشر نشده است، در کشورهای عربی و در میان مجامع علمی و ادبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. یکی از ویژگی‌های این *دائرةالمعارف* تعلیقات و ردیه‌هایی است که بر برخی مقالات نسخه اصلی *دائرةالمعارف اسلام* نوشته شده است. دست‌اندرکاران این مجموعه، هر جا احساس کرده‌اند که اندیشه‌ها و برداشت‌های دانشمندان غیرمسلمان از معارف اسلامی، با آراء و نظریات علمای اسلام در تضاد است، ذیل همان عنوان (در چاپ نخست در پاورقی و در چاپ دوم در متن و با علامت +) در مقاله‌ای جداگانه و یا در چند سطر به‌عنوان تعلیقات، برداشت‌های نادرست و یا آنچه که غرض‌ورزی‌های مؤلف پنداشته شده را یادآور شده و به اصلاح اشتباهات پرداخته‌اند؛ مثلاً در مقاله «اسلام» که ارنولد آن را در حدود پنج صفحه نوشته (*دائرةالمعارف الإسلامية*، ج ۳: ۳۴۱-۳۴۷)، مصطفی عبدالرزاق در هشت صفحه (همان: ۳۴۷-۳۵۵) به رد برخی نظریات وی و دیگر مستشرقان پرداخته است. یا ابوالعلاء عقیفی بر مقاله نسبتاً کوتاه «ابن عربی» تألیف وایر (همان: ۳۴۳-۳۴۵)، سه صفحه تعلیقات (همان: ۳۴۶-۳۴۸) نوشته است.

۵. *دائرةالمعارف الإسلامية الشیعیة*

این *دائرةالمعارف* به همت حسن امین و با همکاری گروهی از نویسندگان در ۳۰ جلد در بیروت به چاپ رسیده است. حسن امین در مقدمه این اثر، با انتقاد از مستشرقان و نویسندگان *دائرةالمعارف اسلام*، درباره انگیزه تدوین این مجموعه یادآور شده است که در مقالات *دائرةالمعارف اسلام* به علت عدم آگاهی نویسندگان و یا غرض‌ورزی آنان،

نگاهی کلی به دائرةالمعارف‌های عربی (عنایت‌اله فاتحی‌نژاد) / ۲۱۳

اشتباهات علمی فراوان راه یافته و باینکه در ترجمه عربی آن، مترجمان سعی کرده‌اند ردیه‌هایی بر برخی مقالات آن بنویسند و اشتباهات را اصلاح کنند، اما این امر منحصر به مقالاتی بوده که با آراء و افکار اهل سنت مغایرت داشته است، و درباره اعتقادات تشیع، آن خطاها و برداشت‌های نادرست همچنان پابرجاست؛ ازاین‌رو، وی برای گردآوری و تدوین مبانی اعتقادی شیعه و روشن‌ساختن حقایقی که گاه دچار تحریف شده، در اندیشه فراهم‌آوردن دائرةالمعارفی مستقل با نام *دائرةالمعارف الإسلامية الشيعية* برآمده است (امین، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۷).

مقالات این دائرةالمعارف براساس حروف الفباء تنظیم نشده و شیوه تدوین مقالات، موضوعی - تاریخی است و نام نویسندگان در پایان هر مقاله آمده است. نخستین مقالات جلد اول آن، بعد از مقدمه حسن امین بیشتر درباره معرفی مذهب شیعه، اعتقادات، افکار و اندیشه‌های شیعی است؛ همچون *الشیعة فی اللغة و التاريخ* (همان، ج ۱: ۹-۲۰)، *التشیع* (همان: ۲۱-۳۰)؛ *الخطوط الکبری فی التشیع* (همان: ۳۱-۳۵)؛ *التشیع الفکری* (همان: ۳۵-۳۷)؛ *التشیع و الحمیة الأسلامیة* (همان: ۳۹-۵۳). عوامل تکوین *المعارضة الشيعية* (همان: ۵۹-۶۸). سپس در مقاله *النبی محمد* (همان: ۷۵-۸۹) به زندگی و سیره پیامبر اسلام پرداخته و پس از طرح مسائلی همچون برده‌داری در اسلام با عنوان *الرق فی الاسلام* (همان: ۹۹) و جغرافیای جهان اسلام (همان: ۱۰۷-۱۱۵)، و جمعیت مسلمانان در جهان (همان: ۱۱۷)، چندین مقاله به زندگینامه علی بن ابیطالب (همان: ۱۱۹-۱۲۸) قبل و بعد از وفات پیامبر (ص) و حوادث و رخدادهای آن دوره اختصاص یافته است و سرانجام جلد نخست این دایرةالمعارف با مقالاتی همچون *کربلا بین رؤیتین* همان: ۵۳۱-۵۳۹ و *التعزیه* همان: ۵۴۶ پایان می‌یابد و پس از آن زندگی امامان شیعه به ترتیب و به‌طور مفصل و هر کدام در مقاله‌ای مستقل آمده است. در این اثر، نام شخصیت‌ها و اعلام به‌عنوان مدخل نیامده است، زیرا به گفته خود حسن امین وی در اثر معروف دیگرش یعنی *اعیان الشیعة* به شرح احوال علما و بزرگان شیعه به‌طور مفصل پرداخته است. شیوه ارجاع و ذکر منابع در این دائرةالمعارف یکدست نیست، برخی مقالات فاقد هرگونه ارجاع است و برخی از ارجاعات نیز در حاشیه ذکر شد.

۶. الأعلام

علاوه بر آنچه گفته شد، در یکی دو قرن گذشته مجموعه‌هایی در زمینه‌های مختلف در کشورهای عربی تألیف و منتشر شده که گرچه نام دائرةالمعارف بر آنها نهاده نشده، اما از جهاتی شباهت بسیار به دائرةالمعارف‌های جدید دارند، یکی از این آثار، کتاب الأعلام اثر خیرالدین زرکلی است. این کتاب که نام کامل آن الأعلام، قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین است، دانشنامه‌ای تاریخی و عمومی است که زرکلی با الهام گرفتن از شرح حال‌نویسان کهن، زندگینامه بیش از ۱۵ هزار نفر از شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی اعم از عرب و غیرعرب و مستشرقان از گذشته تا روزگار خود (۱۳۵۳ هـ/ش/۱۳۹۴ ق) را همراه با معرفی آثار آنان، در آن آورده است (نیز بنگرید به طناحی، ۱۹۸۵ م: ۸۲).

اساس تدوین الأعلام ترتیب الفبایی است و زرکلی شرح حال هر شخصیت را بدون در نظر گرفتن نام شهر وی، بر اساس نام کوچک و نام پدر می‌آورد و نام‌های مشهور همچون اصمعی و جاحظ را به ترتیب به عبدالملک بن قریب و عمرو بن بحر ارجاع می‌دهد و در مورد شخصیت‌های هم نام، تاریخ وفات آنان را ملاک و معیار قرار داده است (زرکلی، ۱۹۹۰ م، مقدمه: ۱۴؛ طناحی، ۱۹۸۵ م: ۸۳). وی نام‌هایی را که با «ابن» و «ابو» آغاز می‌شود، ذیل حرف الف نیاورده و اسم بعد از آن را ملاک الفبایی قرار داده است؛ برای مثال ابو فراس را در حرف «ف» و ابن ندیم را ذیل «ن» نون آورده است.

وی در تألیف این اثر اختصارگرایی را اساس کار خود قرار داده و از این‌رو بیشتر زندگینامه‌ها از حدود ده دوازده سطر تجاوز نمی‌کند. مؤلف پس از ذکر تاریخ ولادت و وفات اشخاص (به هجری و میلادی) شرح حال شخصیت‌ها را به‌طور خلاصه می‌آورد، سپس کتاب‌ها و آثار چاپی و خطی آنان را معرفی می‌کند (زرکلی، ۱۹۹۰ م، مقدمه: ۲۰-۲۱) و برای آشنایی و اطلاع بیشتر خوانندگان در پاورقی هر صفحه مهم‌ترین منابع را با ذکر جلد و صفحه می‌آورد. یکی از ویژگی‌های کتاب الأعلام که از ارزش فراوانی برخوردار است، اسناد، تصاویر و دست‌نوشته‌های شخصیت‌های برجسته معاصر است که مؤلف آنها را ضمیمه زندگینامه‌ها کرده است (همان: ۱۹-۲۱).

نگاهی کلی به دائرةالمعارف‌های عربی (عنايت‌اله فاتحي نژاد) / ۲۱۵

کتاب الأعلام با آنکه مورد ستایش فراوان قرار گرفته، از نقد منتقدان مصون نمانده است و کسانی چون محمدبن احمد بن دهمان در مجله مجمع اللغة العربية، احمد علاونة در کتاب ذیل الأعلام و کتاب نظرات فی کتاب الأعلام و محمد بن عبدالله الرشید در الإعلام به تصحیح کتاب الأعلام برخی اشتباهات و نارسایی‌های این کتاب را یادآور شده‌اند. یکی از شایع‌ترین انتقادات درباره این کتاب عرب‌گرایی مؤلف و خصومت و دشمنی وی با ترکان عثمانی است که باعث شده وی نام بسیاری از شخصیت‌های برجسته عثمانی همچون سلاطین، وزیران و امیران را از قلم انداخته و برای کسانی که به دست سران عثمانی کشته شده‌اند، از لفظ شهید استفاده کرده است؛ مانند محمود جلال که چون بر عثمانی‌ها شورید و به دست آنان اعدام گردید، او را شهید نامیده است (زرکلی، ۱۹۹۰م، ج ۲: ۱۳۲). وی علاوه بر محمود جلال، برای بسیاری از رهبران قبایل که بر ترک‌ها شوریدند و از اهمیت و اعتبار چندانی برخوردار نبوده‌اند، زندگینامه‌ای نسبتاً مفصل تدارک دیده؛ اما از ذکر نام برخی شخصیت‌های معروف تنها به دلیل ترک بودن آنان خودداری کرده است. نمونه واضحی که باعث شده منتقدان، وی را مورد حمله بسیار قرار دهند و او را به نژادگرایی متهم سازند، ابن خلکان است که با اینکه زرکلی از کتاب وفيات الاعیان وی برای تألیف الأعلام بسیار بهره برده و به گونه‌ای آن را اساس کار خود در تألیف الأعلام قرار داده بود، صرفاً به سبب وابستگی او به اتراک، شرح حال وی را در کتاب خود نیاورده است (همان، ج ۱: ۱۱۳ و ج ۵: ۹۳).

زرکلی الأعلام را نخستین بار در ۱۳۰۵هـ.ش / ۱۳۴۵ق درسه جلد در مصر منتشر کرد و سپس در میان سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۴۷هـ.ش / ۱۳۴۶-۱۳۸۸ق بر مطالب آن به مرور افزود، چندان که این دانشنامه به همراه اضافات و اصلاحات مؤلف در ده جلد در ۱۳۳۳-۱۳۳۷هـ.ش / ۱۳۷۳-۱۳۷۸ق با مقدمه‌ای تازه در مصر منتشر شد (داغر، ۱۹۸۳: ۳۱۶). سپس وی در ۱۳۴۷هـ.ش / ۱۳۸۸ق برخی تصاویر و دست‌نوشته‌های شخصیت‌ها را همراه با اصلاحاتی به عنوان المستدرک بدان افزود (زرکلی، ۱۹۹۰، ج ۱: ۱۹۵).

آخرین چاپ الأعلام مشتمل بر هشت جلد و در حدود ۱۹۰۰۰ مدخل پس از درگذشت زرکلی به کوشش زهیر فتح‌الله به انضمام مقدمه، اصلاحات، حواشی و

یادداشت‌ها و زندگینامه خودنوشت مؤلف در ۱۳۵۸ ه.ش / ۱۳۹۹ ق در دارالعلم للملایین منتشر شد (طناحی، ۱۹۸۵: ۸۲؛ عبدالرشید، ۲۰۰۱م: ۱۵-۱۶). بعدها محمد خیر رمضان یوسف در سال ۱۳۷۶ ه.ش / ۱۴۱۸ ق برخی شرح‌حال‌ها و دست‌نوشته‌ها و تصاویر جدید را در کتابی مستقل با نام *تتمة الاعلام* در سه جلد در بیروت به چاپ رساند. از آنجاکه زرکلی شرح‌حال مشاهیر و شخصیت‌های برجسته را تا سال ۱۳۵۵ ه.ش / ۱۳۹۶ ق آورده است، محمد خیر رمضان زندگینامه‌های بزرگان و دانشمندانی را که پس از این تاریخ زیسته‌اند، تا سال ۱۳۷۴ ه.ش / ۱۴۱۶ ق جمع‌آوری کرده و در این *تتمة* گنجانده است.

همچنین *ذیل الاعلام* از احمد العالونه در دو جلد (جده دارالمنار)، دربردارنده شرح‌حال و آثار کسانی است که پس از زرکلی به شهرت رسیده‌اند و آخرین شرح‌حال‌ها مربوط به سال ۱۳۷۴ ه.ش / ۱۴۲۱ ق است. *فوات الاعلام مع الاستدراکات* از احمد الرفاعی نیز در ریاض در سال ۱۳۷۸ ه.ش / ۱۴۲۰ ق منتشر شده است (عبدالرشید، ۲۰۰۱م، ۱۷-۱۹).

۷. أعيان الشيعة

این اثر که تألیف و تدوین آن به کوشش محسن امین عالم، نویسنده و ادیب لبنانی آغاز شد، گرچه نام *دائرةالمعارف* بر آن نهاده نشده، می‌توان آن را یکی از دانشنامه‌های جهان تشیع به‌شمار آورد. محسن امین موفق نشد تا این کار سترگ را به پایان رساند و پس از وفات وی در ۱۳۳۳ ه.ش / ۱۳۷۴ ق فرزندش حسن امین با جدیت کار پدر را که تا حرف «ش» تکمیل شده بود، پی گرفت و سرانجام آن را در ۳۶ جلد منتشر کرد. در کنار مجموعه‌هایی که ذکر آنها گذشت طی قرن گذشته آثاری *دائرةالمعارف* گونه با نام‌های موسوعه در برخی کشورهای عربی منتشر شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

موسوعة المورد: این دانشنامه را منیر بعلبکی پس از تألیف لغت‌نامه انگلیسی-عربی *المورد* در ۱۳۵۷ ه.ش / ۱۹۷۹م در ده مجلد به چاپ رسانیده و مقالات و مدخل‌های آن را به تبعیت از *المورد*، براساس الفبای انگلیسی تنظیم و مرتب کرده است تا به گفته او

نگاهی کلی به دائرةالمعارف‌های عربی (عنايت‌اله فاتحي نژاد) / ۲۱۷

با وجود اختلاف نظرهای متعدد در ضبط و برابرگزینی اصطلاحات انگلیسی به عربی یافتن آنها برای کاربران آسان‌تر باشد (بعلبکی، ۱۹۹۰، ج ۱: ۲) و برای کسانی که با زبان انگلیسی آشنایی ندارند علاوه بر فهرست نهایی که براساس الفبای عربی به‌طور یکجا در جلد یازده گرد آمده، فهرست مدخل‌ها و عناوین هر مجلد نیز در پایان همان مجلد آمده است. بعلبکی در مقالاتی نسبتاً کوتاه که گاه از حد چند سطر تجاوز نمی‌کند، به معرفی شخصیت‌های برجسته، اعلام جغرافیایی و اصطلاحات خاص علمی در علوم مختلف و به‌خصوص در حوزه مفاهیم و اصطلاحات دینی پرداخته است. یکی از ویژگی‌های این دانشنامه مصور بودن آن است.

الموسوعة العمانيّة: دانشنامه‌ای است درباره عمان که در ۴۰۰۰ مدخل و به ترتیب حروف الفبا در یازده مجلد به چاپ رسیده است.

همچنین **الموسوعة العربية الميسرة**، (۲ مجلد)؛ **الموسوعة الفلسطينية** (۴ مجلد)؛ **الموسوعة العربية المعاصرة**، به کوشش محمد شفیق غربال، (۲ مجلد)؛ **الموسوعة العربية العالمية؛ الموسوعة الفقهية؛ الموسوعة الميسرة في الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة**؛ از دیگر موسوعه‌های عمومی و تخصصی کشورهای عربی به‌شمار می‌آیند.

کتاب‌نامه

- بستانی، پطرس (۱۹۵۶م). *دائرةالمعارف، قاموس عام لکن فن و مطلب*. به کوشش فؤاد افرام بستانی، بیروت.
- بعلبکی، منیر (۱۹۹۰م). *موسوعة المورد: بیروت: دارالعلم للمدائین*.
- داغر، یوسف اسعد (۱۹۸۳). *مصادر الدراسة الأدبية، بیروت: منشورات الجامعة اللبنانية*.
- امین، حسن (۱۴۲۳ق). *دائرةالمعارف الإسلامية الشيعية*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- زرکلی، خیرالدین، (۱۹۹۰م). *الأعلام: قاموس تراجم الأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*. بیروت: دارالعم للمدائین.
- طناحی، محمود محمد (۱۹۸۵م). *الموجز فی مراجع التراجم والبلدان، قاهره: مكتبة الخانجي*.
- عبدالرشید، محمد، (۲۰۰۱م). *الأعلام به تصحيح كتاب الأعلام للزرکلی*. بیروت.
- وجدی، فرید (۱۹۷۱م). *دائرةالمعارف القرن العشرين*. بیروت: دارالمعرفة و النشر
- دائرةالمعارف الإسلامية* (۱۹۳۳م). اصدر بالمانیه و الإنجليزية و اعتقد فی الترجمة العربية علی الاصلين الانجليزى و الفرسي، يصدرها باللغة العربية احمد الشنتاوى، ابراهيم زكى خورشيد، عبدالحميد يونس ا. بیروت: دارالفکر.